



گزارش به شورای امنیت

گزارش به شورای امنیت ملل متحد
توسط معاون نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد برای افغانستان،
جورجیت گانیون

کابل، ۱۶ سپتمبر ۲۰۲۶

[طبق متن ارائه شده]

آقای رئیس،

ماه قبل، مقامات اداره حاکم پنجمین سال بازگشت به قدرت خود را تجلیل کردند.

آنها کنترل در سراسر کشور، بهبود امنیت، انکشاف زیربناها، و تلاش ها برای ثبات اقتصادی خود را به عنوان شواهدی از موفقیت و اعتماد به نفس خود به نمایش گذاشتند. آنها همچنین ابتکاری را برای بهبود شفافیت و پاسخگویی ادارات راه اندازی کردند.

این انکشافات تشویق کننده هستند.

با آنها، این انکشافات در شرایطی اتفاق میافتد که هیچگونه پیشرفتی در رابطه با مسائل مورد نگرانی عمیق مردم افغانستان و جامعه بین المللی، مانند محدودیت های شدید علیه زنان و دختران، حکومتداری مبتنی بر طرد و انحصار، بحران حقوق بشر و تداوم حضور گروه های تروریستی که افغانستان، منطقه و صلح و امنیت بین المللی را تهدید میکنند، حاصل نشده است.

طبق گزارش قبلی من به این شورا، ارزیابی ما اینست که مقامات اداره حاکم به هیچگونه تهدید نظامی یا سیاسی قابل توجهی مواجه نیستند. با آنها، خطرات کلیدی که ثبات کشور را تهدید میکند در حال افزایش هستند که عمدتاً ناشی از پالیسی های خود مقامات اداره حاکم است.

رویداد های اخیر در ولایت بدخشان، نشان دهنده این خطرات است. اگرچه درگیری های مسلحانه – همانگونه که در گزارش سرمنشی به تفصیل توضیح داده شده است - کنترل اداره حاکم را تهدید نکرد، اما نشان میدهد که وقتی مردم محل از مشارکت در تصمیم گیری، سهمیم شدن در منابع و بهره مند شدن از فرصت های اقتصادی کنار گذاشته میشوند، چه پیامدهایی ممکن را در قبال دارد.

در جریان سفر اخیرم به ولایت بدخشان، مردم به من گفتند که آنها در جستجوی فرصت ها، خدمات اساسی، تعلیم و آموزش، و یک آینده برای اطفال شان هستند، نه طرد شدن.

طی سه ماه گذشته، وضعیت در ولایت هرات همچنان نگران کننده باقی مانده است. هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) موارد بازداشت زنان و دختران را در ارتباط با اجرای سختگیرانه مقررات نحوه پوشش لباس تعیین شده از سوی مقامات اداره حاکم، ثبت کرد. اعتراضات متعاقب آن با توصل به استفاده از قوت بیش از حد سرکوب شدند. مقامات اداره حاکم به بازداشت – بشمول هفته گذشته – به اتهام نقض مقررات نحوه پوشش لباس ادامه دادند. یوناما همچنین افزایش فشار بر جوامع اقلیت ها، بسته کردن نهاد های رسانه ای و بازداشت و ارباب خبرنگاران را نیز ثبت کرد.

این رویداد ها و وقایع بخشی از یک پروسه گسترده تر از وضع مقررات اجتماعی براساس اجبار هستند که موجب بیگانه سازی و در حاشیه راندن بسیاری از جوامع میگردد. یوناما از طریق دفتر مرکزی کابل و دفاتر ساحوی خود با مقامات اداره حاکم پیرامون این نگرانی های حیاتی در تماس و گفتگو است.

آقای رئیس،

این ماه، یوناما گزارشی را پیرامون تجارب قربانیان درگیری های چندین دهه ای افغانستان به نشر رساند. نود و پنج درصد افرادی که ما با آنها در افغانستان مصاحبه انجام دادیم، در مورد آسیب های روانی و عاطفی مداوم، منجمله افسردگی، اضطراب، تروما یا صدمات روحی و خاطرات گذشته، صحبت کردند. بسیاری از آنها تا هنوز هم با معلولیت، درد های مزمن و از دست دادن وسایل امرار معیشت خود زندگی میکنند.

این یافته ها به ما خاطر نشان میسازد که صلح تنها به معنی نبود درگیری مسلحانه نیست، بلکه صلح پایدار نیازمند کرامت، شمولیت، فرصت و امید است.

بسیاری از افغانها به ما میگویند که ثبات نسبی طی پنج سال گذشته، یک فرصت غنیمت برای نفس کشیدن و آسودگی فراهم کرده است. با آنها، آنها از وضع پالیسی های اجتماعی سختگیرانه ای مقامات اداره حاکم و وضعیت شکننده ای اقتصادی و بشردوستانه در افغانستان رنج میبرند.

اگرچه افغانستان تا حدی ثبات اقتصادی کلان خود را حفظ کرده است، اما این امر به معنی بهبود و احیای کافی وضعیت نیست.

رشد اقتصادی همزمان با افزایش نفوس پیشرفت نکرده و کاهش کمک های خارجی را نیز جبران نکرده است. درآمد سرانه ۵.۶ درصد کاهش یافته و میزان صادرات نیز کاهش پیدا کرده است. افغانستان تاهنوز هم وابستگی شدیدی به واردات دارد و بروز اختلال در مرز و بی ثباتی گسترده تر منطقه ای، به تضعیف توان خرید خانواده ها منجر شده است.

عدم مصئونیت غذایی و سوء تغذی نگرانی جدی به شمار میروند. یونیسف گزارش میدهد که حدود ۳.۷ میلیون طفل از سوءتغذی رنج میبرند و حدود یک میلیون طفل دیگر به سوءتغذی حاد و شدید مصاب هستند.

پلان نیازمندیها و پاسخ بشردوستانه سال ۲۰۲۶، صرف ۳۰ درصد تأمین مالی شده است. مؤسسات بشردوستانه ناچار اند تصامیم دشواری را در مورد ساحات فعالیت، افراد تحت پوشش و ارائه خدماتی را که میتوانند ادامه دهند، اتخاذ نمایند.

تأسیسات صحی، مراکز تغذیه، خدمات حمایتی از زنان و سایر برنامه های حیاتی به دلیل کاهش تأمین منابع مالی بسته یا محدود شده اند.

در عین زمان، افغانستان نیز شاهد تکان های شدید جمعیتی و اجتماعی – اقتصادی است.

در سال جاری تنها، نزدیک به ۱.۲ میلیون مهاجر افغان از کشورهای پاکستان و ایران به کشور عودت کرده اند و مجموع مهاجرین عودت کننده از سال ۲۰۲۳ بدینسو به ۶.۵ میلیون نفر رسیده است.

بدون کمک و حمایت پایدار از عودت کنندگان و جوامع میزبان، رقابت بر سر منابع محدود به تشدید نارضایتی ها، افزایش بیجاشدگان و تشدید بی ثباتی منجر شده میتواند.

منع کشت خشخاش از سوی مقامات اداره حاکم، یک اقدام مثبت بوده و منجر به کاهش قابل توجهی این کشت شده است، اما به علت فشار های اقتصادی، خطر از سرگیری مجدد کشت خشخاش متصور است.

کمک و حمایت بیشتر از معیشت های بدیل و ارائه کمک های بشردوستانه و انکشافی پایدار و اصولی به مردم افغانستان، یک امر حیاتی است.

آقای رئیس،

هیچ بحثی درباره افغانستان نمی‌تواند تداوم محرومیت زنان و دختران را نادیده بگیرد.

سخنانی زن افغان که در قندهار با او ملاقات کردم، نمایانگر تجربه آنان است و سخنان وی را در اینجا نقل قول میکنم: "اگر از یک قانون پیروی کنیم، قانونی دیگری از پی آن میاید: به زنان حجاب دارد دستور داده میشود که ماسک بزنید؛ به کسانی که ماسک دارند گفته میشود چادری بپوشند، از کسانی که چادری پوشیده اند در باره نداشتن محرم پرسان میشود، و از کسانی که محرم دارند، در باره نوع رابطه شان با او سوال میشود."

مقامات اداره حاکم با محروم کردن زنان و دختران از دسترسی به تعلیم و آموزش، اشتغال و مشارکت در عرصه حیات عامه، آینده افغانستان را تضمین نمیکنند، بلکه استعداد ها و بهره وری مورد نیاز برای بازسازی پس از درگیری را محدود میسازند. این رویکرد با چشم انداز اعلام شده آنها مبنی بر داشتن یک افغانستان مرفه، خودکفا و دارای حاکمیت مستقل که قادر به جذب سرمایه گذاری بین المللی باشد، در تضاد است.

این ماه مصادف با گذشت یک سال از وضع محدودیت هایی است که مانع دسترسی زنان افغان - منجمله کارکنان اناث داخلی ملل متحد - به اماکن این سازمان میشود.

این وضعیت، نقض اصول سازمان ملل متحد و یک مانع عملیاتی جدی تلقی میشود. فعالین و نهاد های بشردوستانه از دشواری دسترسی به زنان و دختران خبر میدهند. مدل ها یا شیوه های ارائه خدمات که صرفاً توسط مردان اجرا میشوند، جایگزین مشارکت کارکنان اناث داخلی شده نمیتوانند، و همچنین مؤسسات بدون حضور آنان به مشورت با زنان، ارزیابی خطرات و یا اطمینان از رسیدن کمک ها به نیازمندترین افراد قادر بوده نمیتوانند.

کاهش تأمین وجوه مالی نیز بر پیچیده شدن این مشکل میافزاید. در جریان سال گذشته، وجوه مالی نزدیک به سه بر چهارم مؤسسات تحت رهبری زنان افغان کاهش یافته است، در حالیکه بیش از ۸۰ درصد آنها از افزایش نیازمندیهای زنان و دختران خبر میدهند. در موقعی که زنان افغان با محدودیت هایی بی سابقه ای روبرو هستند، میکانیزم های حمایت بین المللی از آنان رو به کاهش است.

زنان در سراسر افغانستان به ما میگویند که تماس و گفتگو، کمک و حمایت جامعه بین المللی، برایشان "نشانه های امید" است. ما از شرکای همکار بین المللی میخواهیم که حمایت از زنان و دختران افغان را در اولویت قرار دهند.

و مهمتر از همه، یک بار دیگر از مقامات اداره حاکم میخواهیم که به تمامی محدودیت های وضع شده بر زنان و دختران پایان دهند.

آقای رئیس،

روابط میان افغانستان و پاکستان همچنان موضوعی موجب نگرانی جدی باقی است.

اثرات خصومت های پراکنده و بسته بودن مرزها که تقریباً یک سال طول کشیده است، تلفات فزاینده ای را بر افراد ملکی و تأثیرات زیادی را بر جوامع و کسب و کار وارد میکند.

یوناما به کاهش تنش ها و آغاز گفتگو برای حل و فصل اختلافات، منجمله در مورد حضور گروه های تروریستی در افغانستان، همانطور که توسط تیم نظارت بر تحریم ها گزارش شده است، همچنان ادامه میدهد. ما از تلاش های دوامدار میانجیگری منطقه ای استقبال میکنیم.

آقای رئیس،

همانطور که کمیشنر عالی مهاجرین و رئیس اداره برنامه انکشافی ملل متحد در جریان سفر مشترک شان به افغانستان در ماه جولای هشدار دادند، تحولات افغانستان لزوماً به مرز های این کشور محدود نمی ماند. بی ثباتی، افزایش بیجاشدگان داخلی و مهاجرت به خارج از کشور، افراط گرایی و ناامنی فزاینده، پیامد های منطقه ای و بین المللی به همراه دارند.

تداوم گفتگوها و تعامل بین المللی، منجمله از طریق پروسه دوحه همچنان یک امر حیاتی است. در حال حاضر، پروسه دوحه یک چارچوب چندین جانبه برای چنین گفتگوها و تعامل است که هدف آن ادغام مجدد افغانستان به سیستم جامعه جهانی بر مبنای پیروی از تعهدات و مکلفیت های بین المللی میباشد.

این گفتگوها و تعامل نظام مند میان مقامات اداره حاکم، جامعه جهانی و طیف وسیعی از شرکای ذینفع افغان، منجر به شناسایی مسائل و مواضع کلیدی، گسترش گفتگوها، در بعضی ساحات، و ایجاد فضای اعتماد شده است.

مانع اصلی پیشرفت، ترجیح مقامات اداره حاکم به رویکرد های دوجانبه نسبت به گفتگوهای چندین جانبه است، چرا که آنها فکر میکنند گفتگوهای چندین جانبه حاکمیت آنها را تضعیف میکند. باوجود آنهم، آنها در گروپ های کاری مبارزه علیه مواد مخدر و سکتور خصوصی همچنان اشتراک میکنند و در مورد بعضی مسائل سیاسی کلیدی نیز بحث و گفتگو میکنند.

آنچه که حالا نیاز است، نشان دادن نشانه های آشکار از سوی مقامات اداره حاکم مبنی بر تمایل آنها نسبت به رسیدگی به نگرانی های گسترده تر جامعه بین المللی است. در این راستا، مقامات اداره حاکم میتوانند گام هایی را در راستای تشکیل حکومت فراگیر و رفع محدودیت های وضع شده بر زنان و دختران بردارند و نشان دهند که به تعهدات خود در جهت مبارزه علیه تروریسم عمل میکنند.

کشور های عضو میتوانند بر این نکته تأکید نمایند که ادغام مجدد افغانستان در نظام بین المللی از طریق برداشتن گام های عملی، متوازن و مبتنی بر همکاری و گام هایی که به رفع مسائل کلیدی مانع این ادغام مجدد، کمک کنند، امکان پذیر است.

آقای رئیس،

ما به ارزش گفتگوها و تعامل مبتنی بر اصول و عمل گرایی باور داریم. این رویکرد، تداوم گفتگو در مورد مسائل و نگرانی های کلیدی را ممکن میسازد، تأثیر گذاری را حفظ و خطرات را کاهش میدهد، فرصت هایی را برای پیشرفت ایجاد میکند - و آنچه که حائز اهمیت است - از نیازمندیها و آرمان های مردم افغانستان حمایت میکنند.

تشکر!

* * *

Press contact: spokesperson-UNAMA@un.org

Website | Twitter | Facebook English | Facebook Pashto | Facebook Dari | Instagram | Flickr